



بررسی سلسله مراتب توسعه یافتگی در شهرستان‌های استان خوزستان با تاکید بر نظریه توسعه پایدار

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۲/۲۰ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۸/۲۵

یعقوب مرادی

استادیار جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور

رضا احمدی

دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه یزد

ahmadi123.1987@gmail.com (مسئول مکاتبات)

چکیده

هدف توسعه پایدار در سطح مناطق برقراری عدالت فضایی و توزیع متعادل امکانات و خدمات مختلف می‌باشد. توسعه در بعد فضایی زمانی می‌تواند در جهت پایداری قرار گیرد که بتواند راهکارهایی مشخص برای تامین مطلوب و عادلانه نیازهای خدماتی ساکنان ارائه نماید. در این تحقیق تلاش شده تا با شناسایی الگوی توزیع فضایی توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان به این امر پی برد که آیا این توسعه جهت گیری پایدار دارد یا خیر. پژوهش حاضر از نوع کاربردی و از لحاظ روش بررسی توصیفی - تحلیلی می‌باشد. داده‌های تحقیق از سالنامه آماری استان خوزستان در سال ۱۳۹۰ گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد، که توزیع فضای توسعه در سطح شهرستان‌های استان خوزستان در جهت اهداف و اصول توسعه پایدار نمی‌باشد. همه تحلیل‌ها نشان می‌دهد که توزیع فضایی توسعه در استان بسیار نابرابر بوده و در تضاد کامل با عدالت فضایی مطرح شده از سوی توسعه پایدار می‌باشد. نابرابری در توزیع فضایی توسعه در سطوح مختلف اتفاق افتاده است. نابرابری بین مرکز (اهواز) و شهرستان‌های پیرامون، نابرابری بین شهرستان‌های کم جمعیت و پرجمعیت استان، نابرابری بین شهرستان‌های با نرخ شهرنشینی بالا و پایین، نابرابری بین شهرستان‌های شمالی و جنوبی و شرقی و غربی استان. همچنین الگوی توسعه فعلی در سطح استان دیدگاه کل نگر و برخورد سیستمی توسعه پایدار را نقض می‌کند. به گونه‌ای که بخشی نگر در توزیع فضایی توسعه در حال حاضر بسیار روشن و مشخص است.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه پایدار، عدالت فضایی، استان خوزستان

مقدمه

افزون روستا در مقایسه با شهر از سوی دیگر شده است. (مولایی هاشجین، ۱۳۸۲: ۴۸) همچنین استراتژی رشد قطبی، باعث شده تمرکز تصمیم گیری‌های کلان شهرها و شهرهای بزرگ، تمامی ابزار مادی، فکری، توسعه، در این گونه شهرها جمع شوند. (اعتماد، ۱۳۶۳: ۱۲۵) (فرآیند چنین روندی شبکه شهری را در عملکرد خود نامتعادل ساخته و در نتیجه به زیان شهرهای کوچک و متوسط تمام شده است برای ایجاد تعادل و به منظور شکل دادن فضاهای مناسب و همگون بحث برنامه ریزی منطقه ای، شناخت نابرابری‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نواحی مختلف می‌باشد (مومنی، حاتمی، ۱۳۸۹: ۱۶) (در این پژوهش سعی بر این است که ابعاد مختلف عدم تعادل فضایی و نابرابری در دسترسی به امکانات و خدمات شهری در سطح شهرستانهای استان خوزستان را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم و از این طریق با معرفی این نابرابری‌ها به سیاست گذاران و برنامه ریزان، به تحقق عدالت اجتماعی و برابری فضایی در سطح استان خوزستان کمک کرده باشیم.

مبانی نظری

در افکار صاحب نظران توسعه، تعبیر مختلفی از واژه‌ی توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقاء سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقاء سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تامین نیازهای اقتصادی-اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد. توسعه در واقع نخستین و مهم ترین هدف تمامی دولت‌ها محسوب می‌شود. یکی از عوامل مهم توسعه همانا پیشرفت اقتصادی است، اما تنها این عامل نیست و دلیل این امر آن است که توسعه صرفاً پدیده‌ای اقتصادی نیست. بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی، اداری و اصلاح آنها و همچنین وجه نظرهای عمومی مردم نیز هست. (زیباری و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۸) توسعه اگرچه دارای بعد کمی می‌باشد، و درپاره‌ای موارد حتی ممکن است مترادف با کلمه رشد تلقی شود، اما در اصل دارای ابعاد کیفی است. درواقع توسعه دارای ابعاد چندگانه‌ای است که کلمه رشد فاقد تمامی آن ابعاد است. (قائد رحمتی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴)

مهم ترین چالش علمی و اجتماعی در کشورهای در حال توسعه، رشد سریع و تمرکز فزاینده آن در یک یا چند نقطه شهری بخصوص در کشورهای جهان سوم بود. ابتدا غرب این پدیده را برجسته کرد و آن را نوعی ناهنجاری منجر به عدم تعادل و بی عدالتی در توزیع فرصتها و ناکارآمدی نظام فرآیند نامید. به دنبال آن کشورهای جهان سوم نیز به بحث در خصوص این پدیده برخاستند و در جستجوی راههای غلبه بر این مشکل برآمدند. (امکچی، ۱۳۸۳: ۱۳) در این کشورها، کیفیت زندگی مردم دستخوش نابرابری‌های منطقه‌ای عظیمی است که در بسیاری موارد، به سرعت در حال افزایش است لذا توزیع متعادل امکانات و خدمات گامی در جهت از بین بردن عدم تعادل‌های منطقه‌ای است زیرا هر چقدر تفاوت‌های منطقه‌ای بیشتر باشد منجر به حرکت جمعیت و سرمایه به سمت قطب‌های پر جاذبه شده و نهایتاً باعث عدم تعادل توزیع جمعیت در سطح منطقه و سرزمین خواهد شد. (خاکپور، ۱۳۸۵: ۱۳۴) (وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است، زیرا در حقیقت کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردارند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است. (یاسوری، ۲۰۲: ۱۳۸۸) (از مهمترین وجوه نابرابری، نابرابری فضایی می‌باشد. نابرابری فضایی را می‌توان توزیع نابرابر فرصتها و موانع اجتماعی در فضا دانست نابرابری فضایی که شکل بارز آن نابرابری منطقه‌ای است، در هر جامعه‌ای می‌تواند جنبه‌های مختلف به خود بگیرد. (دهقان، ۱۳۸۶: ۱۲۸) (از مشخصات بارز توسعه فضایی ایران نیز وجود نابرابری‌های ناحیه‌ای است که سبب رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی خواهد شد. (پورفتحی فرد، عاشری، ۱۳۸۹: ۹۶) روند تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در چند دهه اخیر، بخصوص از زمان حکومت پهلوی تاکنون از یک طرف و گوناگونی بستر جغرافیایی از طرف دیگر، به شکل گیری نوعی خاص از نظام فضایی سکونتگاههای انسانی منجر شده است. نبود تعادل میان سکونتگاههای روستایی و شهری در زمینه‌های مختلف موجب برهم خوردن نظم فضایی سکونتگاهها از یک سو و رشد شتابان شهرها بویژه شهرهای درجه اول و دوم، مهاجرتهای نارس از روستا به شهر و محرومیت روز

اگر چه پارادایم توسعه، علاوه بر رشد، بهبود سایر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی نیز مد نظر قرار گرفت، اما بعضاً به دلیل استفاده نامعقول از منابع محدود طبیعی، تداوم و پایداری فرآیند توسعه محل تردید جدی قرار گرفت و پژوهش‌گران، اصطلاح توسعه پایدار را جایگزین توسعه نمودند، تا علاوه بردست‌یابی به این مهم تداوم و پایداری این فرآیند نیز تضمین گردد. بنابراین اگر توسعه پایدار مفهوم تکامل یافته توسعه باشد، خوشبختی چند جانبه نسل بشر، بدون کاهش توانایی‌های نسل‌های آتی و تخریب محیط زیست مد نظر است. (اطاعت، ۱۳۹۰: ۸) کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه که برای اولین بار این اصطلاح را ارائه داد، توسعه پایدار را به عنوان توسعه‌ای تعریف کرد که نیازهای نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده در برآوردن احتیاجات خود تأمین می‌کند. (مهبوشوری، ۱۳۷۸: ۶۱) این تعریف دو مفهوم را در بر دارد: ۱- مفهوم نیاز، بویژه نیازهای اساسی فقرا اولویت درجه یک را دارد؛ ۲- توسعه پایدار در برگرفته ایده محدودیت‌هایی است که به وسیله وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحمیل می‌شود. واژه نیاز از نظر بسیاری از اقتصاد دانان با مشکل همراه است. نیاز اغلب به انواع معینی از خواست‌ها یعنی تغذیه، آموزش و بهداشت اشاره دارد که در هر برنامه‌ای باید در اولویت قرار گیرد. بنابراین می‌توان با جایگزینی مفهوم رفاه در تعریف مزبور آن را به صورت زیر ارائه داد: توسعه‌ای که رفاه نسل فعلی را بدون ایجاد اشکال در توانایی نسل‌های آینده برای دستیابی به رفاه خود تأمین می‌کند این تعریف، توسعه پایدار را به صورت افزایش مستمر یا حداقل حفظ رفاه انسان در طی زمان تفسیر می‌کند (بیرس و وارفورد، ۱۳۷۷: ۸۰) به استناد تعاریف ذکر شده توسعه پایدار فرآیندی است که اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی جامعه را هر جا که ممکن است از طریق وضع سیاستها، انجام اقدام‌های لازم و عملیات حمایتی با هم تلفیق می‌کند. (OECD, 2001: 14) اصل ۱ اعلامیه ریو حاکی از این است که انسان محور توجه توسعه پایدار است و انسانها سزاوار و مستحق یک زندگی سالم می‌باشند (UN, 2001: 15) سه دسته عواملی که به رواج تفکر توسعه پایدار کمک کرده اند، عبارتند از: ۱- نتایج بد کارکردی اجرای سیاستهای تعدیل ساختاری که خود برای مقابله با بحران اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۸۰ م. تدوین شده بود؛ ۲- افزایش بی‌امان و وقفه ناپذیر فقر و گرسنگی و نابرابری در جهان؛

۳- تخریب نگران کننده محیط زیست و منابع طبیعی در نتیجه کاربرد تکنولوژیها (زاهدی مازندرانی، ۱۳۷۷: ۲۴۵)

بنیادهای اصلی توسعه پایدار را می‌توان به شرح زیر عنوان کرد: ۱- کنار گذاشتن تصور قدر قدرتی انسان، ۲- کوسیستم بسیار مهمتر از درک و تصور فعلی است ۳- عدالت و برابری ۴- تعامل توسعه و پایداری، ۵- مشارکت و وفاق، ۶- مردم محوری (Kirkpatrick, 9 : 2001) ، ۷- برنامه جامع، چرخه‌ای و تلفیقی، ۸- دیدی سیستمی و کل گرایانه، ۹- ساخت بر روی آنچه که وجود دارد، ۱۰- استفاده عاقلانه از منابع (بانگ و برتون، ۱۳۷۷: ۱۱)

با مطرح شدن نظریه توسعه پایدار مفهوم عدالت همواره از مهمترین و پایه‌ای ترین ارکان آن بوده است. مسئله مهم در برقراری توسعه پایدار شهری، توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی و سلامت اجتماعی شهرها در بستر برنامه ریزی است. از اوایل قرن نوزدهم، تفاوت میان نحوه درآمد در نقاط مختلف، نظریه پردازان را به ارائه فرضیه‌هایی پیرامون پیدایش نابرابری، واداشته است. هنگامی که پایین بودن درآمد با فقر درآمد ناشی از دسترسی کمتر به کالا و خدمات ارائه شده از سوی بخش دولتی ترکیب شود، به عقب ماندگی نواحی می‌انجامد. (حکمت نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۶۶) در کتاب تئوری شکل شهر کوین لینچ، تأمین عدالت و برابری، در ردیف ارزش‌های آرمانی آمده است که کسب آنها تا کنون به ندرت اتفاق افتاده است. توزیع فضایی متعادل خدمات از مهم ترین نشانه‌های عدالت اجتماعی به شمار می‌رود. مسئله‌ی مهم در توزیع عادلانه امکانات به عنوان راهبرد عدالت اجتماعی، چگونگی توزیع خدمات و توانایی‌ها بین نواحی شهری است. (همان منبع : ۱۶۶) عدم تعادل فضایی و توزیع نامتعادل خدمات و امکانات به صورت نامناسب از ویژگی‌های بارز و عمده کشورهای جهان سوم و ایران است (نظریان، ۱۳۷۶: ۱۵۶). تمرکز نامعقول و نامتناسب در عرصه‌های زیستی، توسعه اقتصادی - اجتماعی نابرابر نواحی جغرافیایی را در پی خواهد داشت. موضوعی که بازتاب آنرا در چشم انداز جغرافیایی شهرها و رشد ناهمگون آنها نیز می‌توان یافت (فرید، ۱۳۸۸: ۴۳۳). در سطح مناطق نیز این اختلاف در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و فضایی رشد یافته و این امر به ویژه در شهرها و مناطق زیر مجموعه (کلان شهرها) که محل تمرکز ثروت و قدرت، به واسطه ساختارهای حکومتی مرکزی متمرکز می‌باشند، بیشتر

پوری، ۱۳۸۸: ۱۸۸) به علاوه مفهوم برابری به عنوان یکی از بنیادهای توسعه پایدار که عدالت بین نسلی را با عدالت درون نسلی تلفیق می‌کند، مستلزم آن است که ساختار الگوهای درآمدی و توزیعی تغییر پیدا کند. بنا براین از نظر بعضی از صاحب نظران می‌توان آن را به عنوان پیش شرطی برای اتخاذ هرگونه استراتژی در ارتباط با توسعه پایدار دانست (UNDP, 1994: 28) واقعیت این است که بدون عدالت اجتماعی در بین نسل حاضر عدالت بین نسلی و در نتیجه توسعه پایدار نیز امکانپذیر نیست. (Soubbotina, 2000: 9)

پیشینه تحقیق

سابقه بررسی نابرابری‌های منطقه‌ای به سالهای قبل از انقلاب بر می‌گردد. از جمله مطالعه‌ای تحت عنوان طبقه بندی استان‌های کشور، مدلی جهت تعیین اولویت‌ها در کاهش تفاوت‌های منطقه‌ای توسط سازمان برنامه و بودجه بود که در سال ۱۳۵۶ انجام گرفته است. به دنبال ایجاد شکاف در میان مناطق و رفع تبعیض و محرومیت، مطالعه‌ای تحت عنوان عدم تعادل‌های منطقه‌ای توسط دفتر برنامه ریزی منطقه‌ای سازمان برنامه و بودجه در سال ۱۳۶۰ انجام گرفت.

سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی در سال ۱۳۶۲ در قالب طرحی به روش تاکسونومی عددی، بر اساس ۵ شاخص بهداشتی و درمانی، به تجزیه و تحلیل ۱۰ شهرستان استان پرداخته و آنها را رتبه بندی کرد. (ابراهیم زاده و رئیس پور، ۱۳۸۹: ۵۴).

منصوری ثالث (۱۳۷۵) شهرستانهای استان تهران و حبیبی و دیگران (۱۳۷۸) شهرستان‌های استان قزوین را با استفاده از این روش، به لحاظ سطح، مرتبه بندی و نابرابری‌های بین آنها را بررسی کرده‌اند. آهنگری و الوند (۱۳۸۴) در یک تحقیق، سطح توسعه شهرستان‌های استان لرستان را در حالت کلی در مقاطع زمانی ۱۳۷۳ و ۱۳۷۲ تعیین نموده و شهرستان‌های این استان را از حیث درجه توسعه رتبه بندی نمودند. دهقان (۱۳۷۳) در بررسی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های آذربایجان در دوره ۶۵ - ۵۵ معتقد است، توسعه یافتگی در نقاط شهری بیشتر از مناطق روستایی است و شکاف توسعه بین شهرهای این استان بسیار بالاست (مومنی، صابر، ۱۳۸۹: ۲).

شربت اوغلی (۱۹۹۱) نابرابری‌های منطقه‌ای در ایران را در دوره زمانی قبل و بعد از انقلاب با استفاده از

به چشم می‌خورد. (عندلیب، ۱۳۸۸: ۸۷) توسعه پایدار، پدیده‌ای با ابعاد گسترده است که در رشد و تکوین مناطق تأثیر گذار است. در همین راستا، برنامه ریزی توسعه پایدار به طور اخص، در پی نظم بخشیدن به فضاهای شهری و روستایی، از لحاظ دسترسی به امکانات و خدمات و توزیع مناسب کاربری‌های مختلف است. به عبارت دیگر، در پی فراهم ساختن بهترین شرایط زیست و روابط مناسب بین کاربری‌های مختلف برای مردم است. کاهش فقر و نابرابری و تکیه بر اصل عدالت اجتماعی و برابری جغرافیایی از اقدامات اساسی توسعه پایدار است (حکمت نیا و موسوی، ۱۳۸۵: ۳۵) در فرآیند شهرنشینی پایدار، اصول و رهیافت‌های توسعه پایدار به عنوان اصلی در مطالعات توسعه شهرها می‌باشد که هدف آن توجه به برابری در رشد اقتصادی، عدالت اجتماعی و حقوق شهروندی، دسترسی مناسب به خدمات و نیازهای اساسی و ارتقای آگاهی نسبت به محیط زیست و عدالت اجتماعی خواهد بود، که به نوبه خود شهرها را به سوی پایداری سوق خواهد داد. (دراکاکیس اسمیت، ۱۳۷۷: ۸۹) از این منظر اساس نظریه‌های عدالت اجتماعی بر این است، که نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، بر سازمان فضایی آن تأثیر دارد. (حبیبی و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۰۴) از دیدگاه عدالت فضایی، عدالت در برگیرنده مفاهیمی چون توزیع متناسب عملکردها و خدمات، دسترسی مناسب به مراکز خدماتی و فعالیتی، بدون تبعیض و تفاوت بین ساکنان یک شهر یا منطقه شهری می‌باشد می‌توان گفت هدف اصلی توسعه پایدار بر مفاهیمی چون ارتقاء کیفیت زندگی یعنی دخالت دادن و تامین رفاه و عدالت اجتماعی و به تبع آن عدالت فضایی متمرکز است. در هر صورت عدالت اجتماعی به عنوان یکی از اصول چهارگانه توسعه پایدار در تمام جهان مورد توافق قرار گرفته، هر چند تعاریف عدالت اجتماعی خود متفاوت و در هر مکانی افت و خیز دارد اما آنچه که در تمام تعاریف پذیرفته شده، این است که عدالت اجتماعی به دنبال کاهش نابرابری‌ها بوده و با از بین بردن شکاف‌های عمیق بین امتیازات مثبت و منفی می‌تواند نتایج زیان آوری را که محرومیت و فقر بر محیط زیست و توسعه پایدار وارد می‌آورد از بین ببرد. لذا آنچه در این نوشتار مبنای کار قرار گرفته است این تعریف توسعه پایدار می‌باشد: توسعه پایدار، گونه‌ای از توسعه است که تنها به تعادل‌های زیست محیطی محدود نبوده بلکه لازمه آن پایداری اجتماعی - اقتصادی و خدمات رسانی و عدالت اجتماعی است. (خاکپور، باوان

۲۶ شاخص و با روش ضریب تغییر براساس نابرابری‌های شهری، روستایی و داخل شهری مورد مطالعه قرار داد. پژوهش نوربخش با استفاده از ۱۶ شاخص گزارش توسعه انسانی (۱۹۹۹) برای ۲۶ استان کشور صورت گرفته که از روش تاکسونومی عددی، مدل حداقل هزینه و یک تابع هدف با دو تابع هدف محدودیت استفاده کرده است. (پور فتحی فرد، عاشری، ۱۳۸۹: ۹۸)

در سطح بین المللی باهاتیا و رای با استفاده از ۲۳ شاخص به کمک روش تحلیل عاملی و تاکسونومی به تعیین سطح توسعه ۳۸۰ بلوک در ۳۲ منطقه از هند در سال ۲۰۰۱ پرداخته اند جو و همکارانش نیز رتبه بندی کشور بلژیک را به منظور حمایت از سیاست توسعه‌ی منطقه‌ای و با استفاده از ۲۳ تکنیک آماری چند متغییره تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای و غیره انجام داد. (ابراهیم زاده و رئیس پور، ۱۳۸۹: ۵۴).

همچنین می‌توان به مطالعات نور بخش (۲۰۰۲) تحت عنوان توسعه انسانی و اختلاف منطقه‌ای در هند اشاره کرد که نابرابری‌های بین ایالت‌های هند مورد بررسی قرار داده است. (مومنی، صابر، ۱۳۸۹: ۲)

در سطح داخلی فتح پور، داراب (۱۳۸۵) به بررسی عدم تعادل‌های منطقه‌ای در استان چهارمحال و بختیاری و راهکارهایی برای تحلیل آن پرداخته است نتایج مذکور نشان می‌دهد که توسعه شهری در استان تا حد زیادی متأثر از عوامل توپوگرافیک و شبکه‌های دسترسی می‌باشد. (فائد رحمتی، خادم الحسینی و محمدی فرد، ۱۳۸۹: ۳)

بزی (۱۳۸۶) در مقاله خود به عنوان تبیین تفاوت‌های فضایی امکانات شهری از طریق سطح بندی نظام شهری در استان سیستان و بلوچستان نتیجه می‌گیرد که نظام متمرکز اداری - سیاسی حاکم در جامعه باعث بلوکه شدن امکانات شهری در مرکز استان (زاهدان) و رشد روز افزون آن شده است.

ملکی و حسین زاده دلیر (۱۳۸۸) در پژوهش خود با نام رتبه بندی نواحی شهری از نظر شاخص‌های توسعه پایدار با استفاده از روش‌های تحلیل عاملی و تاکسونومی در شهر ایلام، نواحی چهارده گانه آن را مورد بررسی قرار داده اند که در بین این چهارده ناحیه شهری دو ناحیه نیمه پایدار و دوازده ناحیه دیگر ناپایدار بوده اند.

ياسوری (۱۳۸۸) در مقاله‌ای به بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان خراسان رضوی پرداخته است، نتایج این تحقیق حاکی از عدم تعادل شدید بین نواحی استان دارد.

مومنی (۱۳۸۸) در تحقیق خود با عنوان تحلیلی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان اصفهان تصریح می‌کند که شیوه برنامه ریزی قطبی باعث نابرابری و عدم تعادل فضایی در استان اصفهان گردیده است.

ضرابی و مولوی (۱۳۸۸) در بررسی شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان همدان بعد از اعمال شاخص جمعیت و شاخص‌های خدماتی و مشخص شدن سطح توسعه شهرستان‌های که برای توجه بیشتر باید در اولویت باشند را مشخص می‌کند و آنها را به ۶ گروه تقسیم می‌کند.

فائد رحمتی، خادم الحسینی و محمدی فرد (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان نشان می‌دهند که توزیع امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان به شدت نابرابر می‌باشد.

مومنی و صابر (۱۳۸۹) در تعیین سطح توسعه یافتگی شهرنابین در استان اصفهان نشان می‌دهند که امکانات و خدمات در این استان به شدت در مرکز استان متمرکز شده اند.

مومنی و حاتمی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به تحلیل جغرافیایی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان یزد پرداخته است او تصریح می‌کند که قطبی شدن جمعیت در ناحیه یزدتمرکز انواع فعالیت‌های اقتصادی، خدماتی در شهر یزد باعث بهم خوردن سلسله مراتب منطقی و منظم در مرتبه و اندازه سکونتگاهها گردیده است.

ضرابی و تبریزی (۱۳۸۹) در تحقیق خود به نام تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران دریافتند که عدم تعادل‌های شهرستانی موجود در استان، به دلیل تفاوت بارز در توزیع شاخص‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، بهداشتی، خدماتی و بوده است.

تقوایی، وارثی و شیخ بیگلو (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران عنوان می‌کند که برای دست یافتن به یکپارچگی ملی ارتقای سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی و پایداری سیاسی، کاستن نابرابری‌های ناحیه‌ای امری ضروری و گریز ناپذیر است.

قنبری (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با نام تحلیل عوامل موثر بر نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران اظهار می‌دارد که عوامل اقتصاد سیاسی و نظام برنامه ریزی و

شاخص ارزیابی می‌شود (مومنی و همکاران، ۱۳۹۰:۱۳۸). منطق اصولی این مدل، راه حل ایده آل (مثبت) و راه حل ایده آل منفی را تعریف می‌کند. در این مدل گزینه‌های بهینه که بیشترین تشابه را با ایده آل داشته باشند، رتبه بالاتری را کسب می‌کنند. (Chang, 2003, 107-115). در این روش علاوه بر در نظر گرفتن فاصله یک گزینه A_i از نقطه ایده آل، فاصله آن از نقطه ایده آل منفی هم در نظر گرفته می‌شود. فرض بر آن است که مطلوبیت هر شاخص، به طور یکنواخت افزایشی یا کاهش می‌باشد. در این روش M گزینه به وسیله N شاخص بررسی می‌شود. به طور کلی این تکنیک بر این مفهوم بنا شده است که گزینه انتخابی باید کمترین فاصله را با ایده آل مثبت (A^+) و بیشترین فاصله را با ایده آل منفی (A^-) داشته باشد. حل مسئله با این روش، مستلزم گام‌های زیر می‌باشد:

۱- کمی کردن و بی مقیاس سازی ماتریس مورد نظر با کمک نرم اقلیدسی. ماتریس به دست آمده ماتریس N نامیده می‌شود.

$$r_{ij} = \frac{r_{ij}}{\left(\sum_{i=1}^m r_{ij}^2 \right)^{\frac{1}{2}}}, \quad (j = 1, \dots, n)$$

۲- به دست آوردن ماتریس بی مقیاس موزون. ماتریس بی مقیاس شده موزون از حاصل ضرب، ماتریس بی مقیاس سازی شده (N) در ماتریس قطری وزن‌ها (W) به دست می‌آید.

$$V = N \times W_{n \times n} \quad -3$$

۴- تعیین راه حل ایده آل مثبت و راه حل ایده آل منفی

$$V_j^+ = V \quad \text{بردار بهترین مقادیر هر شاخص ماتریس}$$

$$V_j^- = V \quad \text{بردار بدترین مقادیر شاخص هر ماتریس}$$

۵- به دست آوردن میزان فاصله‌ای هر گزینه تا ایده آل مثبت و منفی

فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایده آل مثبت

فاصله اقلیدسی هر گزینه تا ایده آل منفی

$$d_i^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^+)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

$$d_i^- = \sqrt{\sum_{j=1}^n (V_{ij} - V_j^-)^2}, i = 1, 2, \dots, m$$

۶- تعیین نزدیکی نسبی (CL^*) یک گزینه به راه

$$CL_i^* = \frac{d_i^-}{d_i^- + d_i^+}$$

حل ایده آل

رتبه بندی گزینه‌ها: هر گزینه‌ای که CL_i^* آن بزرگ‌تر باشد، بهتر و بالاترین رتبه را نسبت به سایر گزینه‌ها به خود اختصاص داده است.

سیاست‌های کلان نقش بیشتری نسبت به سایر عوامل در تکوین و تشدید نابرابری در نقاط شهری استان‌های ایران داشته اند.

توکلی و دیگران (۱۳۹۰) در پژوهشی به نام ارزیابی شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران در یافتند که بیشترین نابرابری در ابعاد اجتماعی است و افزایش دست رسی در مرکز، خلق فرصت‌های بیشتر را موجب شده است.

مهرگان و نظریان (۱۳۹۰) در رتبه بندی خدمات اقتصادی، اجتماعی شهرستان‌های استان لرستان و ساماندهی آن با استفاده از مدل اسکالوگرام مشخص می‌کند که در سطح شهرستان‌های استان رتبه بندی توزیع خدمات اقتصادی، اجتماعی با رتبه بندی سطح جمعیتی شهرستان‌های استان بطور متفاوتی با هم در حرکت می‌باشند.

دیو سالار و شیخ اعظمی (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان برنامه ریزی فضایی توسعه پایدار شهرهای ساحلی نور، نتیجه گرفتند که برنامه ویژه فضایی در چهار عرصه فعالیتی اجتماعی، اقتصادی، کاربردپاراضی و محیطی بیشترین نمود را در توسعه پایدار شهر ساحلی نور دارد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر نوع، توصیفی-تحلیلی و از لحاظ هدف، کاربردی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات کتابخانه‌ای است که اطلاعات و داده‌های آن از منابع آماری استان در سال ۱۳۹۰ جمع آوری شده است. روش کار بدین صورت است که ابتدا در شش بخش آموزشی، اقتصادی، بهداشتی-درمانی، زیربنایی-کالبدی، زیست محیطی و فرهنگی-اجتماعی بررسی انجام می‌شود و بعد با تلفیق ۸۳ معرفه و شاخصی که در بخش‌های شش گانه استفاده شده به نتیجه گیری نهایی از توزیع فضایی توسعه در سطح شهرستان‌های استان می‌رسیم. روشی که برای این بخش استفاده شده، روش TOPSIS است برای تحلیل بیشتر از میانگین و ضریب همبستگی پیرسون نیز استفاده شده، برای سطح بندی توسعه در استان نیز از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده شده است. در این تحقیق از ۸۳ شاخص استفاده شده است که در جدول شماره (۱) قابل مشاهده می‌باشند.

روش TOPSIS

این مدل توسط هوا نگ ویون در سال ۱۹۸۱ پیشنهاد شده است. در این روش M گزینه به وسیله N

جدول (۱) شاخص های انتخاب شده برای بررسی توزیع فضایی توسعه در شهرستان های استان خوزستان

شاخص های آموزشی		
نسبت معلم به دانش آموز ابتدایی به ازای ۱۰۰ نفر	نسبت کلاس به دانش آموز ابتدایی در ۱۰۰ نفر	نرخ باسوادی زنان
نسبت مدرسه به دانش آموزان ابتدایی به ۱۰۰۰ نفر	نسبت معلم به دانش آموز راهنمایی در ۱۰۰ نفر	نسبت دانش آموزان به جمعیت ۶ سال به بالا
نسبت کلاس به دانش آموز راهنمایی به ازای ۱۰۰ نفر	مدرسه به دانش آموز راهنمایی در ۱۰۰۰ نفر	نسبت دانش آموز به جمعیت بالای ۱۰ سال
نسبت معلم به دانش آموز متوسطه به ۱۰۰ نفر	نسبت کلاس به دانش آموز متوسطه در ۱۰۰ نفر	نرخ باسوادی
نسبت مدارس دانش آموزان متوسطه به ازای ۱۰۰۰ نفر	نسبت کارکنان به دانش آموز ابتدایی به ۱۰۰ نفر	نسبت دانش آموز دختر به پسر شهرستان
نسبت کارکنان به دانش آموز راهنمایی به ۱۰۰ نفر	نسبت کارکنان به دانش آموز متوسطه به ۱۰۰ نفر	
شاخص های اقتصادی		
معکوس نرخ بیکاری خالص	تعداد کارگاه های صنعتی ۱۰۰ نفر و بیشتر در ۱۰ هزار نفر	معکوس بار معیشتی
نرخ اشتغال خالص	تولید سرانه هر کارگر صنعتی	معکوس بار تکفل خالص
معکوس بار اقتصادی	تعداد کارگاه های صنعتی ۱۰ تا ۱۰۰ نفر در هزار نفر	نسبت تعداد سپرده نزد بانکها به تعداد جمعیت
سرانه سپرده نزد بانکها	تعداد شاغلان کارگاه های صنعتی به تعداد کل شاغلان	نسبت تعداد واحدهای بانکی در ۱۰۰۰ نفر
نسبت تعداد فرصت های شغلی به بیکاران شاخص های بهداشتی-درمانی		
سرانه پزشک به ازای هر ۱۰۰۰ نفر جمعیت	سرانه مرکز اورژانس به ازای هر ۱۰ هزار نفر	سرانه دندانپزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر
سرانه آزمایشگاه به ازای هر ۱۰ هزار نفر	تعداد بیمارستان به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر مربع	سرانه تخت بیمارستان به ازای هر ۱۰۰۰ نفر
سرانه شاغلان بخش بهداشت و درمان به ۱۰ هزار نفر	معکوس نرخ مرگ و میر	سرانه داروساز به ازای هر ۱۰ هزار نفر
سرانه پیراپزشک به ازای هر ۱۰ هزار نفر	سرانه مراکز بهداشتی درمانی به ۱۰ هزار نفر	سرانه داروخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر
سرانه پزشکان عمومی به ازای هر ۱۰۰۰ هزار نفر	تعداد آزمایشگاه به ازای هر ۱۰۰ کیلومتر مربع	سرانه پزشکان متخصص به ازای هر ۱۰۰۰ نفر
تعداد بیمارستان به ازای ۱۰۰۰۰۰ نفر شاخص های زیربنایی-کالبدی		
طول شبکه جمع آوری فاضلاب به مساحت شهرستان	نسبت تعداد جایگاه فروش بنزین در ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت تعداد مشترکین برق خانگی به خانوار
نسبت کل راهها به مساحت شهرستان	تعداد میادین میوه و تره بار در ۱۰۰۰۰۰ نفر	نسبت راههای روستایی به مساحت شهرستان
نسبت راههای اصلی به مساحت شهرستان	نسبت تعداد مشترکین آب به تعداد خانوار	نسبت پایانه به جمعیت در ۱۰۰۰۰۰
نسبت وسایل حمل و نقل به جمعیت در ۱۰۰ نفر	نسبت تعداد مشترکین گاز به تعداد خانوار	نسبت پست پیشتاز به جمعیت در ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت تعداد مشترکین تلفن ثابت به خانوار	نسبت ایستگاه های آتشنشانی در ۱۰۰۰۰ نفر	نسبت تعداد مشترکین تلفن همراه به جمعیت
شاخص های زیست محیطی		
نسبت تعداد خودروی حمل زباله به ۱۰۰۰ نفر	سرانه فضای سبز شهری به متر	نسبت عرصه های جنگلی به مساحت شهرستان
نسبت پارک به جمعیت در ۱۰۰۰ نفر	سرانه پارکهای شهری به متر	نسبت وسعت پارکهای شهری به مساحت شهرستان
نسبت وسعت فضای سبز شهری به مساحت شهرستان	سرانه عرصه های جنگلی	نسبت تعداد چاههای عمیق و نیمه عمیق در ۱۰۰۰ نفر
سرانه منابع زیر زمینی آب به متر مکعب	نسبت فضاهای سبز به مساحت شهرستان به هکتار	
شاخص های اجتماعی-فرهنگی		
نسبت نمایشگاه های فرهنگی برپاشده به ۱۰ هزار نفر	نسبت تماشاگر سینما به کل جمعیت	چاپخانه های تحت نظارت اداره ارشاد به ۱۰۰۰۰ نفر
نسبت کتابخانه به ازای هر ۱۰ هزار نفر	مراکز عرضه محصولات فرهنگی به ۱۰۰۰ نفر	تعداد کتاب به جمعیت با سواد شهرستان
نسبت اعضای کتابخانه به جمعیت با سواد شهرستان	معکوس بعد خانوار	نسبت مساجد به ازای هر ۱۰ هزار نفر
سرانه کانون پرورش فکری برای هر ۱۰ هزار نفر	معکوس نرخ طلاق	

منبع: مطالعات نگارندگان

تحلیل خوشه ای

هدف بسیاری از فعالیتهای تحقیقاتی پی بردن به این است که کدامیک از داده‌های موجود در یک مجموعه مشابه و یا متفاوت هستند. تحلیل خوشه‌ای اصولی ترین روش برای برآورد شباهت بین افراد در یک مجموعه است. در تحلیل خوشه‌ای معمولاً p صفت بر روی n داده اندازه گیری می‌شود و بعد یک ماتریس $n \times p$ از داده‌های خام تشکیل می‌شود. سپس ماتریس داده‌های خام به ماتریس شباهتها یا فاصله‌ها تبدیل شده و با استفاده از یکی از تکنیکهای طبقه بندی، داده‌ها را بر اساس شباهت بین آنها گروه بندی می‌کنند. هدف از تشکیل خوشه‌ها آن است که در هر دسته موادی را قرار دهیم که دارای تنوع کمتری نسبت به تنوع موجود بین دسته‌ها باشند.

ضریب همبستگی پیرسون

یکی از ابزارهای مناسب جهت تحلیل میان متغیرها، ضریب همبستگی پیرسون می‌باشد. این ضریب به منظور بررسی رابطه میان دو متغیر فاصله‌ای و یا اسمی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقدار آن همواره بین $+1$ و -1 در نوسان است. چنانچه مقدار به دست آمده مثبت باشد به معنای این است که تغییرات در هر دو متغیر به طور هم جهت اتفاق می‌افتد. به بیان دیگر با هر گونه افزایش در مقدار یک متغیر، مقدار متغیر دیگر نیز افزایش می‌یابد و برعکس. اما چنانچه مقدار همبستگی منفی باشد، بیانگر این نکته است که دو متغیر در جهت عکس همدیگر حرکت می‌کنند. یعنی با افزایش مقدار یک متغیر، مقادیر متغیر دیگر کاهش می‌یابد و برعکس. اگر مقدار به دست آمده برای ضریب همبستگی صفر باشد به معنای این است که هیچ‌گونه رابطه‌ای بین دو متغیر وجود ندارد.

منطقه مورد مطالعه

استان خوزستان با مساحت 64054 کیلومتر مربع در جنوب غربی ایران قرار دارد. این استان پنجمین استان پرجمعیت ایران است. در سال 1390 ، جمعیت استان 4531720 نفر بوده است که از این تعداد $71/02\%$ در نقاط شهری و $28/71\%$ در نقاط روستایی سکونت داشته و بقیه غیر ساکن بوده‌اند. از رقم کل جمعیت خوزستان (4531720 نفر)، شهرستان اهواز با اختصاص رقم

جمعیتی 1395184 نفر حدود یک سوم جمعیت استان را به خود اختصاص داده است که حاصل نقش سیاسی، اداری و اعمال سیاست تمرکز در سیستم برنامه ریزی است. از طرف دیگر فاصله جمعیتی شهرستان اهواز با بقیه شهرستان‌های استان مشهود است. اما بجز موقعیت استثنایی شهرستان اهواز، در بقیه شهرستان‌های استان، شهرستان دزفول با 423552 نفر بالاترین و شهرستان لالی 37381 نفر پایین ترین رقم جمعیت استان را به خود اختصاص می‌دهند. جدول شماره (۳) توزیع جمعیت را به تفکیک شهرستان‌های استان خوزستان در سال 90 نشان می‌دهد. (مرکز آمار ایران: 1390)

جدول (۲) توزیع جمعیت در استان خوزستان به تفکیک شهرستان سال 1390

نرخ شهرنشینی	جمعیت	
کل استان	4531720	70٪
آبادان	271484	0/84
امیدیه	90420	0/69
اندیکا	5797	0/04
اندیمشک	167126	0/77
اهواز	1395184	0/81
ایذه	203621	0/60
باغملک	107450	0/40
باوی	89160	0/61
بندرماهشهر	278037	0/92
بهبهان	179703	0/70
خرمشهر	163701	0/80
دزفول	423552	0/70
دشت آزادگان	99831	0/52
رامشیر	48943	0/51
رامهرمز	105418	0/66
شادگان	153355	0/38
شوش	202762	0/43
شوشتر	191444	0/63
گتوند	64951	0/67
لالی	37381	0/47
مسجدسلیمان	113257	0/91
هفتکل	22391	0/66
هندیجان	37440	0/75
هويزه	34412	0/58

منبع (مرکز آمار ایران، 1390)

یافته‌ها

با توجه به اینکه در بخش تلفیقی از 83 شاخص استفاده شده جداول و ماتریس‌های این بخش بسیار طولانی و بزرگ می‌باشد و با توجه به محدودیت‌های

موجود در این بخش فقط نتایج وجداول نهایی ارائه شده است. در رتبه بندی توسعه یافتگی بین شهرستان های استان خوزستان، شهرستان های اهواز، دزفول، آبادان، بندر ماهشهر و ایذه در رده های اول تا پنجم و رامشیر، امیدیه، هویزه، اندیکا و باوی در رده های آخر قرار دارند. جدول (۳) وزن و رتبه توسعه یافتگی شهرستان های استان خوزستان را در شش بخش جداگانه و یک بخش تلفیقی نشان می دهد. برای بررسی بیشتر از تحلیل خوشه های استفاده شده است.

جدول (۳) وزن و رتبه شهرستان های استان خوزستان بر اساس الگوی TOPSIS

شهرستان	رتبه توسعه اقتصادی	وزن توسعه اقتصادی	رتبه توسعه بهداشتی-درمانی	وزن توسعه بهداشتی-درمانی	رتبه توسعه رفاهی-اجتماعی	وزن توسعه رفاهی-اجتماعی	رتبه توسعه فرهنگی-اجتماعی	وزن توسعه فرهنگی-اجتماعی	رتبه توسعه زیربنایی-کابندی	وزن توسعه زیربنایی-کابندی	رتبه توسعه زیربنایی-کابندی	وزن توسعه بهداشتی-درمانی	رتبه توسعه بهداشتی-درمانی	وزن توسعه اقتصادی	رتبه نهایی توسعه
اهواز	۲	۰.۷۴۳	۱	۰.۸۱۷	۱	۰.۷۴۲	۴	۰.۸۹۰	۱	۰.۷۴۲	۱	۰.۸۱۷	۱	۰.۷۴۳	۰.۵۶۳
دزفول	۱۱	۰.۰۴۸	۶	۰.۱۹۷	۱۱	۰.۰۴۶	۲	۰.۹۶۹	۱۱	۰.۰۴۶	۱۱	۰.۱۹۷	۶	۰.۰۴۸	۰.۳۰۰
آبادان	۴	۰.۳۲۴	۱۰	۰.۱۵۹	۳	۰.۴۷۱	۱	۰.۹۷۱	۳	۰.۴۷۱	۳	۰.۱۵۹	۱۰	۰.۳۲۴	۰.۲۴۷
بندر ماهشهر	۱	۰.۸۸۶	۹	۰.۱۶۲	۴	۰.۲۸۰	۱۶	۰.۲۴۹	۴	۰.۲۸۰	۴	۰.۱۶۲	۹	۰.۸۸۶	۰.۲۳۹
ایذه	۱۸	۰.۰۰۲۲	۲۰	۰.۰۵۸	۱۶	۰.۰۳۲	۸	۰.۲۶۸	۱۶	۰.۰۳۲	۱۶	۰.۰۵۸	۲۰	۰.۰۰۲۲	۰.۲۲۰
یهپهان	۹	۰.۰۷۵	۳	۰.۲۸۸	۱۰	۰.۰۴۸	۷	۰.۲۸۳	۱۰	۰.۰۴۸	۱۰	۰.۲۸۸	۳	۰.۰۷۵	۰.۲۰۹
خرمشهر	۳	۰.۳۷۵	۲۱	۰.۰۴۹	۲	۰.۵۵۹	۳	۰.۹۳۶	۲	۰.۵۵۹	۲	۰.۰۴۹	۲۱	۰.۳۷۵	۰.۱۹۲
مسجد سلیمان	۱۰	۰.۰۵۱	۸	۰.۱۷۹	۹	۰.۰۵۷	۱۷	۰.۲۴۳	۹	۰.۰۵۷	۹	۰.۱۷۹	۸	۰.۰۵۱	۰.۱۸۷
لالی	۲۱	۰.۰۰۱۱	۱۳	۰	۸	۰.۰۶۷	۲۲	۰.۱۹۷	۸	۰.۰۶۷	۸	۰	۱۳	۰.۰۰۱۱	۰.۱۸۳
باغملک	۱۴	۰.۰۱۱	۱۷	۰.۰۶۴	۶	۰.۱۸۶	۱۰	۰.۲۶۷	۶	۰.۱۸۶	۶	۰.۰۶۴	۱۷	۰.۰۱۱	۰.۱۵۱
اندیمشک	۱۳	۰.۰۲۸	۱۹	۰.۰۶۱	۱۳	۰.۰۳۶	۱۸	۰.۲۴۰	۱۳	۰.۰۳۶	۱۳	۰.۰۶۱	۱۹	۰.۰۲۸	۰.۱۴۸
شوش	۶	۰.۱۵۱	۱۸	۰.۰۶۲	۱۸	۰.۰۲۰	۲۴	۰.۰۱۰۵	۱۸	۰.۰۲۰	۱۸	۰.۰۶۲	۱۸	۰.۱۵۱	۰.۱۳۱
شوشتر	۵	۰.۱۶۹	۵	۰.۲۰۸	۵	۰.۱۹۷	۵	۰.۸۶۹	۵	۰.۱۹۷	۵	۰.۲۰۸	۵	۰.۱۶۹	۰.۱۱۲
دشت آزادگان	۱۲	۰.۰۳۱	۲	۰.۶۶۴	۲۲	۰.۰۰۴۷	۱۲	۰.۲۵۹	۲۲	۰.۰۰۴۷	۲۲	۰.۶۶۴	۲	۰.۰۳۱	۰.۰۹۵
رامهرمز	۸	۰.۱۲۲	۱۲	۰.۰۹۶	۷	۰.۱۸۴	۶	۰.۵۹۵	۷	۰.۱۸۴	۷	۰.۰۹۶	۱۲	۰.۱۲۲	۰.۰۸۸
گتوند	۱۷	۰.۰۰۲۵۶	۴	۰.۲۷۴	۲۱	۰.۰۰۸۴	۲۰	۰.۲۱۳	۲۱	۰.۰۰۸۴	۲۱	۰.۲۷۴	۴	۰.۰۰۲۵۶	۰.۰۷۹
شادگان	۷	۰.۱۴۰	۱۶	۰.۰۶۸	۱۲	۰.۰۳۷	۱۳	۰.۲۵۷	۱۲	۰.۰۳۷	۱۲	۰.۰۶۸	۱۶	۰.۱۴۰	۰.۰۶۱
هندیجان	۱۵	۰.۰۰۳۹	۱۵	۰.۰۸۵	۱۵	۰.۰۳۵	۱۵	۰.۲۵۱	۱۵	۰.۰۳۵	۱۵	۰.۰۸۵	۱۵	۰.۰۰۳۹	۰.۰۴۶
هفتکل	۱۶	۰.۰۰۲۵۷	۱۱	۰.۱۳۸	۱۷	۰.۰۲۷	۱۴	۰.۲۵۴	۱۷	۰.۰۲۷	۱۷	۰.۱۳۸	۱۱	۰.۰۰۲۵۷	۰.۰۴۳
رامشیر	۲۲	۰.۰۰۰۸	۷	۰.۱۹۲	۲۰	۰.۰۱۲	۹	۰.۲۶۸	۲۰	۰.۰۱۲	۲۰	۰.۱۹۲	۷	۰.۰۰۰۸	۰.۰۴۲
امیدیه	۱۹	۰.۰۰۱۶	۱۴	۰.۰۹۴	۱۴	۰.۰۳۶	۱۹	۰.۲۳۰	۱۴	۰.۰۳۶	۱۴	۰.۰۹۴	۱۴	۰.۰۰۱۶	۰.۰۴۱
هویزه	۲۰	۰.۰۰۱۷	۲۳	۰.۰۱۹	۱۹	۰.۰۱۶	۱۱	۰.۲۶۰	۱۹	۰.۰۱۶	۱۹	۰.۰۱۹	۲۳	۰.۰۰۱۷	۰.۰۳۳
اندیکا	۲۳	۰.۰۰۰۲	۲۲	۰.۰۱۹	۲۳	۰.۰۰۳۹	۲۱	۰.۲۰۵	۲۳	۰.۰۰۳۹	۲۳	۰.۰۱۹	۲۲	۰.۰۰۰۲	۰.۰۲۵
باوی	۲۴	۰.۰۰۰۰۴	۲۴	۰.۰۰۱۷	۲۴	۰.۰۰۲۳	۲۳	۰.۱۸۷	۲۴	۰.۰۰۲۳	۲۴	۰.۰۰۱۷	۲۴	۰.۰۰۰۰۴	۰.۰۲۱

منبع: مطالعات نگارندگان

جدول (۴) خوشه بندی توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان در بخشهای مختلف

شهرستان	آموزشی	اقتصادی	بهداشتی - درمانی	زیربنایی - کلیدی	زیست محیطی	فرهنگی - اجتماعی	تلفیقی
اهواز	۵	۲	۱	۱	۴	۲	۱
دزفول	۵	۵	۴	۵	۱	۱	۲
آبادان	۵	۳	۴	۳	۵	۱	۳
بندرماهشهر	۵	۱	۴	۴	۵	۴	۳
ایذه	۳	۵	۵	۵	۱	۴	۳
بهبهان	۳	۴	۳	۵	۳	۴	۳
خرمشهر	۵	۳	۵	۲	۵	۱	۴
مسجدسلیمان	۴	۵	۴	۵	۳	۴	۴
لالی	۳	۵	۵	۵	۲	۴	۴
باغملک	۲	۵	۵	۴	۳	۴	۴
اندیمشک	۴	۵	۵	۵	۲	۴	۴
شوش	۳	۴	۵	۵	۳	۵	۴
شوشتر	۴	۴	۴	۴	۵	۲	۴
دشت آزادگان	۴	۵	۲	۵	۵	۴	۵
رامهرمز	۳	۴	۵	۵	۵	۳	۵
گتوند	۴	۵	۳	۵	۴	۴	۵
شادگان	۴	۴	۵	۵	۵	۴	۵
هندیجان	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵
هفتکل	۲	۵	۴	۵	۵	۴	۵
رامشیر	۱	۵	۴	۵	۵	۴	۵
امیدیه	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵
هويزه	۳	۵	۵	۵	۵	۴	۵
اندیکا	۱	۵	۵	۵	۵	۴	۵
باوی	۴	۵	۵	۵	۵	۴	۵

منبع: مطالعات نگارندگان

به دو گروه شرقی-غربی تقسیم نموده ایم و آنگاه از نظر توزیع فضایی توسعه و با استفاده از میانگین وزن توسعه هر نیمه، به مقایسه می‌پردازیم. شهرستان‌هایی که در نیمه شمالی استان قرار دارند سیزده عدد می‌باشند که عبارتند از: اندیکا، اندیمشک، ایذه، باغملک، باوی، دزفول، دشت آزادگان، شوش، شوشتر، گتوند، لالی، مسجدسلیمان و هفتکل شهرستان‌های واقع شده در نیمه جنوبی: آبادان، امیدیه، اهواز، بندرماهشهر، بهبهان، خرمشهر، رامشیر، رامهرمز، شادگان، هندیجان، هويزه شهرستان‌های واقع در نیمه شرقی استان یازده عدد می‌باشند که عبارتند از: امیدیه، اندیکا، ایذه، باغملک، بهبهان، رامشیر، رامهرمز، لالی، مسجدسلیمان، هفتکل، هندیجان شهرستان‌های نیمه غربی: آبادان، بندر ماهشهر، اندیمشک، اهواز، باوی، خرمشهر، دزفول، دشت آزادگان، شادگان، شوش، شوشتر، گتوند، هويزه

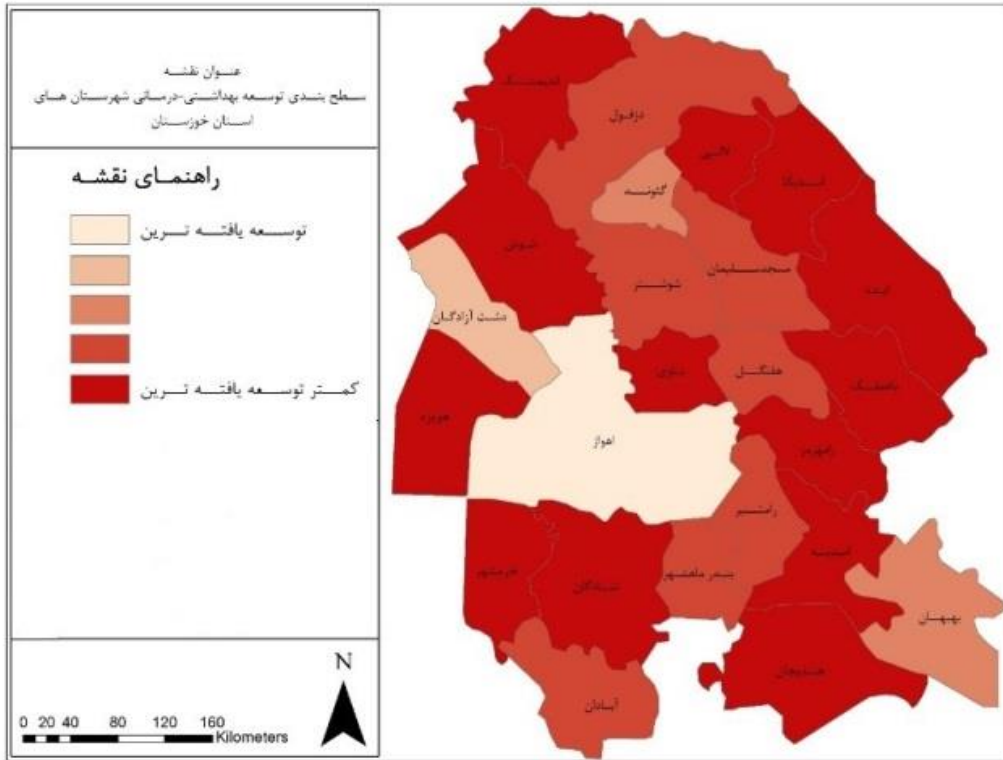
سطح اول توسعه: اهواز
سطح دوم توسعه: دزفول
سطح سوم توسعه: آبادان، بندرماهشهر، ایذه، بهبهان
سطح چهارم توسعه: خرمشهر، مسجدسلیمان، لالی، باغملک، اندیمشک، شوش، شوشتر
سطح پنجم توسعه: دشت آزادگان، رامهرمز، گتوند، شادگان، هندیجان، هفتکل، رامشیر، امیدیه، هويزه، اندیکا، باوی

نتایج تحلیل خوشه‌ای در سایر بخشها، در نقشه‌های سطح بندی توسعه در قسمت بعدی آورده شده است.

تحلیل جغرافیایی از توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان

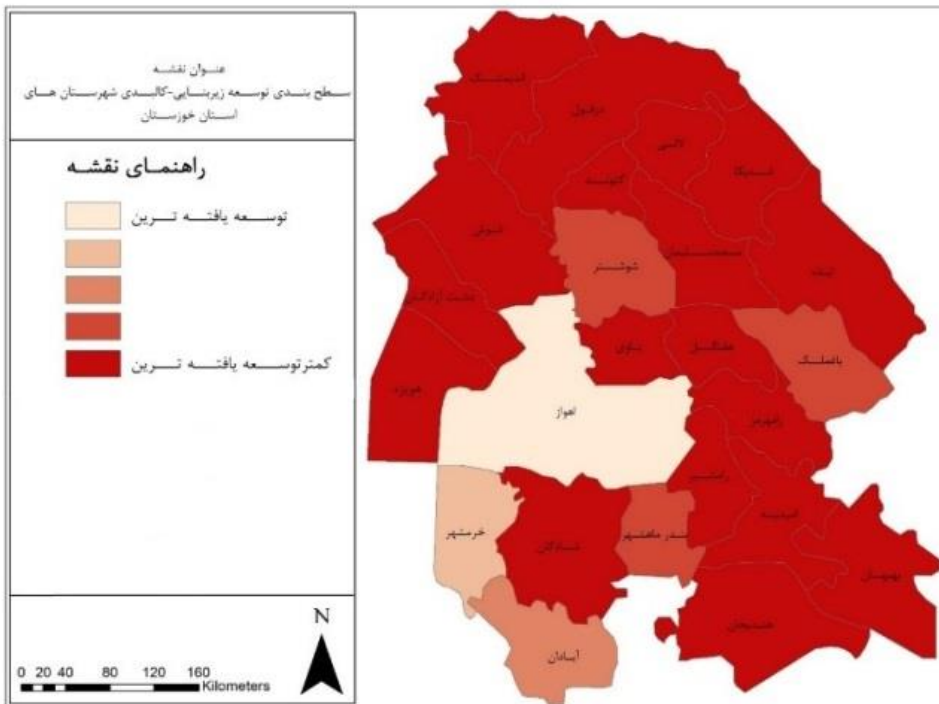
در این بخش به تحلیل جغرافیایی از وضعیت توسعه در استان می‌پردازیم. برای این امر شهرستان‌های استان خوزستان را یک بار به دو گروه شمالی جنوبی و یک بار

نقشه (۳) سطح بندی توسعه زیربنایی-کالبدی شهرستان‌های استان خوزستان



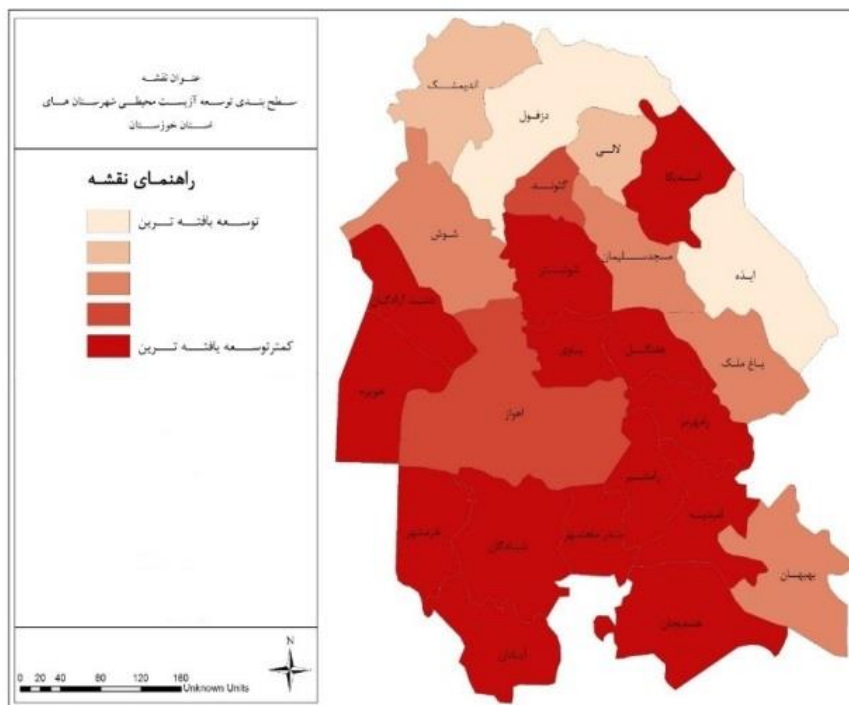
پردازش: نگارندگان

نقشه (۴) سطح بندی توسعه بهداشتی-درمانی شهرستان‌های استان خوزستان

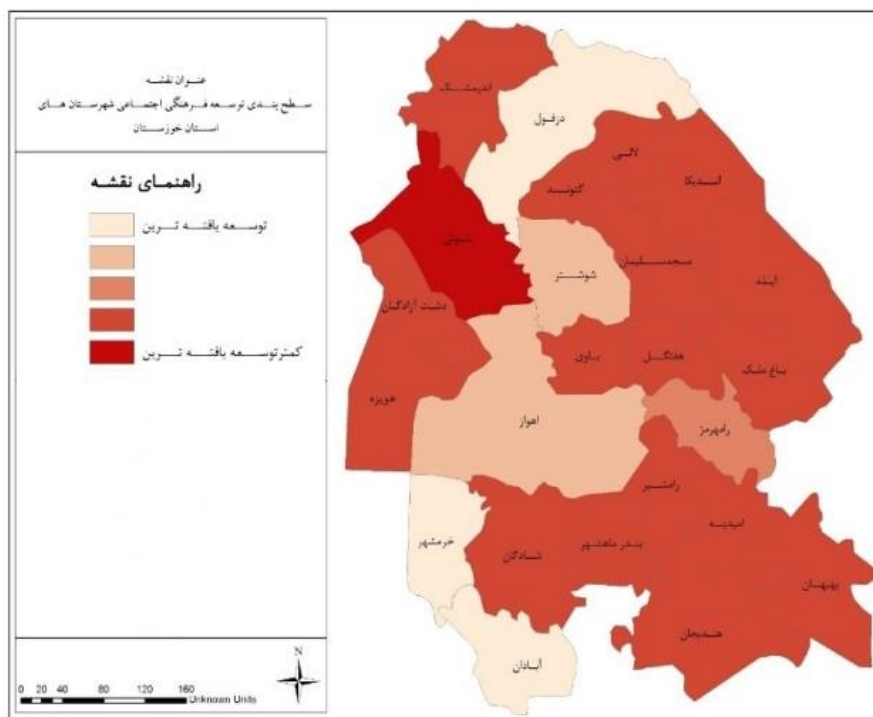


پردازش: نگارندگان

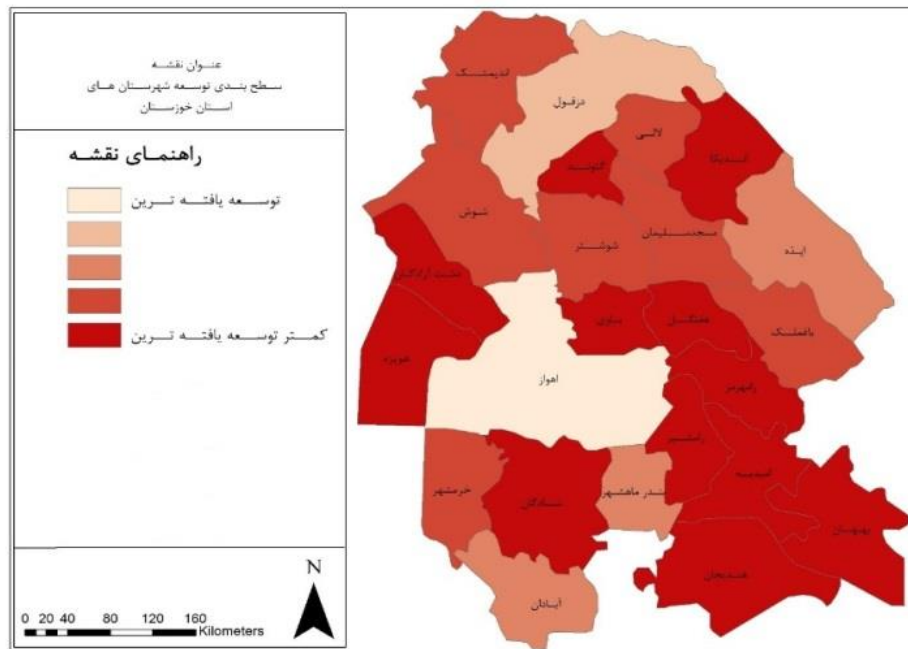
نقشه (۵) سطح بندی توسعه فرهنگی-اجتماعی شهرستان‌های استان خوزستان



نقشه (۶) سطح بندی توسعه زیست محیطی شهرستان‌های استان خوزستان



نقشه (۷) سطح بندی توسعه بصورت تلفیقی در شهرستان‌های استان خوزستان



پردازش: نگارندگان

میانگین شهرستان‌های شرقی و غربی تفاوت بیشتری را نشان می‌دهد. میانگین امتیازات توسعه یافتگی بهداشتی درمانی شرق ۰.۱۲۳ و غرب استان ۰.۲۱۵ است. در این بخش از لحاظ میانگین توسعه غرب استان بر شرق برتری دارد. جنوب استان نیز برتری اندکی بر شمال دارد. در بخش زیربنایی-کالبدی میانگین امتیازات توسعه یافتگی شمال استان در ۰.۰۵۳ و در جنوب استان ۰.۲۱۷ است. میانگین وزن توسعه یافتگی شرق و غرب نیز به ترتیب ۰.۰۷۴ و ۰.۱۸۲ می‌باشد. این مقادیر نشان دهنده نابرابری و عدم تعادل شدید به نفع شهرستان‌های جنوبی و غربی استان می‌باشد. اما در زمینه توسعه زیست محیطی استان خوزستان اغلب شهرستان‌های توسعه یافته در نیمه شمالی استان قرار گرفته اند. به گونه‌ای که میانگین وزن توسعه یافتگی شهرستان‌های نیمه شمالی ۰.۲۰۵ و میانگین شهرستان‌های نیمه جنوبی ۰.۰۴۵ است. اما بین شرق و غرب استان از نظر توسعه زیست محیطی اختلاف بسیار کمی وجود دارد. میانگین این دو نیمه به ترتیب ۰.۱۳۹ و ۰.۱۲۳ است. در بخش فرهنگی-اجتماعی میانگین توسعه یافتگی جنوب ۰.۴۷۲ و جنوب ۰.۳۲۱ است. که نشان دهنده برتری نسبی جنوب بر شمال می‌باشد. میانگین وزن توسعه یافتگی شهرستان‌های نیمه غربی ۰.۵۰۶ و نیمه

همانطور که از نقشه سطح بندی توسعه آموزشی شهرستان‌های استان خوزستان پیداست بین شمال و جنوب استان از نظر توسعه آموزشی تفاوت چندانی وجود ندارد. به گونه‌ای که میانگین امتیاز توسعه یافتگی شمال استان ۰.۱۴۲ است. در مقابل این مقدار برای جنوب استان ۰.۳۸۷ می‌باشد که تفاوت اندکی را به نفع شمال نشان می‌دهد. اما چیزی که به خوبی قابل مشاهده است تفاوت میان شرق و غرب استان است. به گونه‌ای که میانگین امتیاز توسعه یافتگی شرق استان ۰.۵۷۴ و غرب استان ۰.۱۷۴ است. در زمینه توسعه اقتصادی شاهد تمرکز توسعه اقتصادی در جنوب و غرب استان می‌باشیم. میانگین وزن توسعه یافتگی شمال ۰.۳۸ و میانگین جنوب استان ۰.۲۴۴ است. مقایسه شهرستان‌های شرقی و غربی نیز بیانگر نابرابری نسبتاً شدیدی از نظر توسعه اقتصادی می‌باشد. به گونه‌ای که میانگین امتیاز توسعه یافتگی غرب ۰.۱۶۸ و شرق استان ۰.۰۹۷ است. این مقادیر نشان دهنده برتری جنوب استان بر شمال و غرب استان بر شرق از نظر میانگین وزن توسعه یافتگی اقتصادی است. در بخش بهداشتی-درمانی میانگین امتیاز توسعه یافتگی شمال استان در این بخش ۰.۱۵۶ و جنوب استان ۰.۱۸۴ می‌باشد که تفاوت چندانی را نشان نمی‌دهد. اما مقایسه

شرقی ۰. ۲۷۶ است که نشان می‌دهد از نظر میانگین امتیاز توسعه یافتگی در بخش فرهنگی اجتماعی نیمه غربی نسبت به نیمه شرقی برتری شدیدی دارد. در زمینه مقایسه شمال و جنوب استان بصورت تلفیقی میانگین وزن توسعه یافتگی شهرستان‌های شمالی ۰. ۱۳۰ و شهرستان‌های جنوبی ۰. ۱۶۰ است. اما میانگین وزن توسعه یافتگی شهرستان‌های غربی ۰. ۱۶۶ و شهرستان‌های شرقی ۰. ۱۲۰ می‌باشد. که نشان دهنده برتری نسبی جنوب بر شمال و غرب بر شرق استان می‌باشد.

ارتباط و همبستگی بین توسعه یافتگی شهرستان‌ها و میزان جمعیت

در این بخش به بررسی ارتباط و همبستگی بین توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان و میزان جمعیت آنها می‌پردازیم. برای این امر از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

جدول (۵) ضریب همبستگی پیرسون میان توسعه یافتگی شهرستان‌ها با میزان جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان

همبستگی میان توسعه اقتصادی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۶۶۴**
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۰۰
همبستگی میان توسعه بهداشتی درمانی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۶۹۰**
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۰۰
همبستگی میان توسعه زیربنایی-کالبدی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۷۱۰**
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۰۰
همبستگی میان توسعه فرهنگی-اجتماعی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۵۲۲**
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۰۹
همبستگی میان توسعه آموزشی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	-۰.۴۴۱*
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۳۱
همبستگی میان توسعه زیست محیطی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۱۹۰
	Sig.(2-tailed)	۰.۳۷۵
همبستگی میان توسعه بصورت تلفیقی و میزان جمعیت	Pearson Correlation	۰.۸۸۱**
	Sig.(2-tailed)	۰.۰۰۰

منبع:مطالعات نگارندگان

ضریب همبستگی پیرسون بین میزان جمعیت شهرستان‌ها و توسعه یافتگی اقتصادی ۰.۶۶۴ و در سطح معنی داری ۰.۰۰۰۱ می‌باشد. بنا بر این می‌توان گفت در استان خوزستان بین توسعه اقتصادی شهرستان‌ها و میزان جمعیت آنها رابطه و همبستگی مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی پیرسون بین اندازه جمعیتی شهرستان‌ها و توسعه یافتگی بهداشتی درمانی ۰.۶۹۰ و در سطح ۰.۰۰۰۱ از لحاظ آماری معنا دار می‌باشد پس می‌توان گفت بین میزان جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان و توسعه شاخص‌های بهداشتی درمانی همبستگی و رابطه مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی زیربنایی جمعیت شهرستان‌ها برابر با ۰.۷۱۰ و در سطح ۰.۰۰۰۱ از لحاظ آماری معنا دار است. در نتیجه بین توسعه امکانات و خدمات زیربنایی و میزان جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان همبستگی و رابطه مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی فرهنگی-اجتماعی و جمعیت شهرستان‌ها ۰.۵۲۲ و در سطح ۰.۰۰۹ از لحاظ آماری معنا دار می‌باشد. بنابراین بین توسعه فرهنگی شهرستان‌های استان خوزستان و میزان جمعیت آنها رابطه و همبستگی مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی محاسبه شده میان توسعه آموزشی و میزان جمعیت ۰.۴۴۱- و در سطح معناداری ۰.۰۳۱ منفی می‌باشد. در نتیجه بین توسعه آموزشی و میزان جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان رابطه و همبستگی منفی برقرار است. ضریب همبستگی بین توسعه زیست محیطی و میزان جمعیت شهرستان‌های استان خوزستان ۰.۱۹۰ در سطح ۰.۳۷۵ از لحاظ آماری معنا دار نمی‌باشد. در زمینه میزان توسعه یافتگی بصورت تلفیقی، ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی شهرستان‌ها و میزان جمعیت آنها ۰.۸۸۱ و در سطح ۰.۰۰۰۱ معنا دار می‌باشد. در نتیجه بطور کلی می‌توان گفت بین توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان و میزان جمعیت آنها همبستگی و ارتباط مثبت وجود دارد و توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان گرایش بیشتری به سمت شهرستان‌های پرجمعیت دارد.

ارتباط و همبستگی بین توسعه یافتگی شهرستان‌ها و نرخ شهرنشینی شهرستان‌ها

جدول (۶) ضریب همبستگی پیرسون میان توسعه یافتگی شهرستان‌ها با نرخ شهرنشینی شهرستان‌های استان خوزستان

همبستگی میان توسعه آموزشی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	-.۶۷۸**
	Sig.(2-tailed)	.۰۰۰
همبستگی میان توسعه اقتصادی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۴۶۸*
	Sig.(2-tailed)	.۰۲۱
همبستگی میان توسعه بهداشتی-درمانی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۲۳۰
	Sig.(2-tailed)	.۲۷۹
همبستگی میان توسعه زیربنایی-کالبدی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۴۳۳*
	Sig.(2-tailed)	.۰۳۵
همبستگی میان توسعه زیست محیطی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۰۶۱
	Sig.(2-tailed)	.۷۷۸
همبستگی میان توسعه فرهنگی-اجتماعی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۳۹۲
	Sig.(2-tailed)	.۰۵۸
همبستگی میان توسعه بصورت تلفیقی و نرخ شهرنشینی	Pearson Correlation	.۴۵۸*
	Sig.(2-tailed)	.۲۸۸

منبع: مطالعات نگارندگان

ضریب همبستگی بین توسعه آموزشی و نرخ شهرنشینی در شهرستان‌های استان خوزستان ۰۶۷۸- و در سطح ۰۰۰۱ از لحاظ آماری معنا دار می‌باشد بنابراین می‌توان گفت بین توسعه آموزشی شهرستان‌های استان خوزستان و نرخ شهرنشینی آنها رابطه و همبستگی منفی وجود دارد. ضریب همبستگی محاسبه شده میان توسعه اقتصادی و میزان شهرنشینی در بین شهرستان‌های استان خوزستان ۰۴۶۸+ و در سطح ۰۰۰۲۱ از لحاظ آماری معنا دار است. پس بین توسعه اقتصادی و میزان شهرنشینی شهرستان‌های استان خوزستان رابطه و همبستگی مثبتی برقرار است. ضریب همبستگی پیرسون بین درصد شهرنشینی شهرستان‌ها و توسعه یافتگی شاخص‌های بهداشتی درمانی ۰۲۳۰+ و در سطح ۰۲۷۹ از لحاظ آماری معنا دار نمی‌باشد. ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی زیربنایی-کالبدی و نرخ شهرنشینی شهرستان‌های استان خوزستان برابر با ۰۴۳۳+ و در سطح ۰۰۳۵ از لحاظ آماری معنا دار است. بنابراین

می‌توان گفت بین توسعه امکانات و خدمات زیربنایی-کالبدی و نرخ شهرنشینی شهرستان‌های استان خوزستان همبستگی و رابطه مثبتی وجود دارد. ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی زیست محیطی و اندازه شهرنشینی در شهرستان‌های استان نیز ۰۰۶۱+ و در سطح ۰۷۷۸ از نظر آماری معنا دار نیست. ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی فرهنگی-اجتماعی و شهرنشینی شهرستان‌ها ۰۳۹۲+ و در سطح ۰۰۵۸ از لحاظ آماری معنا دار نمی‌باشد. در زمینه میزان توسعه یافتگی تلفیقی ضریب همبستگی بین توسعه یافتگی شهرستان‌ها و نرخ شهرنشینی آنها ۰۴۵۰+ و در سطح ۰۰۲۸+ معنا دار می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت بین توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خوزستان و میزان شهرنشینی آنها همبستگی و ارتباط مثبتی وجود دارد.

نتیجه گیری

در این تحقیق برای بررسی پایداری در توزیع فضایی توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان از مقایسه وضعیت فعلی توزیع فضایی توسعه با برخی اصول توسعه پایدار مرتبط با بحث استفاده شده است. توسعه پایدار باید عدالت و برابری را تحقق بخشد. در این تحقیق بعد فضایی عدالت و برابری مورد نظر است. با بررسی توزیع فضایی توسعه در سطح شهرستان‌های استان خوزستان مشخص می‌شود که پراکنش توسعه در سطح استان در راستای برابری و عدالت فضایی نمی‌باشد. نابرابری در توزیع فضایی توسعه در سطوح مختلف اتفاق افتاده است. نابرابری بین مرکز (اهواز) و شهرستان‌های پیرامون، نابرابری بین شهرستان‌های کم جمعیت و پر جمعیت، نابرابری بین شهرستان‌های با نرخ شهرنشینی بالا و پایین، نابرابری بین شمال و جنوب و شرق و غرب استان. در این تحقیق مشخص شد که شهرستان اهواز در سطح استان به مکش شدید جمعیت، خدمات و امکانات مختلف و در نهایت توسعه پرداخته است. از شش مولفه‌ای که در این تحقیق بررسی شد این شهرستان رتبه اول توسعه زیربنایی-کالبدی، رتبه اول توسعه بهداشتی-درمانی، رتبه دوم توسعه اقتصادی و رتبه چهارم توسعه فرهنگی-اجتماعی استان را بخود اختصاص داده است. و بطور کلی با اختلاف زیاد در رتبه نخست توسعه یافتگی استان قرار دارد. این امر به قیمت باز نگه داشتن شهرستان‌های پیرامون اهواز از توسعه محقق شده است بگونه‌ای که نزدیکترین شهرستان‌ها به اهواز از پایین ترین سطح توسعه برخوردار شده اند.

فرهنگی-اجتماعی در رتبه شانزدهم در بخش زیست محیطی در رتبه هفدهم و در زمینه آموزشی در رتبه بیست و سوم قرار گرفته است. بنابراین الگوی توزیع فضایی توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان نتوانسه در راستای عدالت و برابری، دیدگاه سیستمی و کل گرایانه‌ی توسعه پایدار قرار بگیرد و الگوی آن از نظام نا برابر، بخشی، تک عاملی و تک بعدی تبعیت می‌کند. در کل نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که توزیع فضای توسعه در سطح شهرستان‌های استان خوزستان در جهت اهداف و اصول توسعه پایدار نمی‌باشد. همه تحلیل‌ها نشان می‌دهد که توزیع فضایی توسعه در استان در تضاد با عدالت فضایی مطرح شده از سوی توسعه پایدار می‌باشد. همچنین الگوی توسعه فعلی در سطح استان دیدگاه کل نگری و برخورد سیستمی توسعه پایدار را نقض می‌کند. به گونه‌ای که بخشی نگری در توزیع فضایی توسعه در حال حاضر بسیار روشن و مشخص است. این توسعه بخشی، توسعه‌ای برونزا می‌باشد. یعنی اینکه دولت در راستای تصمیمات بخشی در یک بخش خاص (بخش آموزشی در استان خوزستان) به سرمایه گذاری می‌پردازد، در حالی که مناطق مورد نظر در سایر بخشها از محرومیت شدیدی رنج می‌برند. نظام برنامه ریزی بخشی و تمرکزگرا بدون در نظر گرفتن توانها و پتانسیل‌ها و نیز نیازها و خواسته‌های مناطق مختلف نمی‌تواند بصورت مفید و کارا عمل نماید. این نوع برنامه ریزی همواره باعث مسکوت ماندن و عدم موفقیت طرح‌های نواحی می‌گردد. البته ذکر این نکته ضروری است که اگر چه شهرستان اهواز از نظر توسعه یافتگی رتبه نخست استان را دارا می‌باشد اما این امر به منزله این نیست که این توسعه، پایدار است. چون همانطور که گفته شد هرگونه توسعه‌ای که جامع و کلی نباشد و از الگوی سیستمی تبعیت نکند نمی‌تواند پایدار باشد. بنابراین با وجود توسعه یافتگی اهواز، اما چون این شهرستان درون یک کل و سیستم بزرگتر (استان خوزستان) واقع شده است، و در این سیستم عدم تعادل شدیدی وجود دارد بنابراین این وضع گریبان مجموع سیستم که اهواز هم جزئی از آن است را گرفته و همه سیستم و مجموعه را از حرکت به سوی توسعه پایدار باز داشته است.

سطح دیگر نابرابری با مقایسه توسعه یافتگی شهرستان‌های کم جمعیت و پر جمعیت روشن می‌شود. برای این مقایسه از ارتباط و همبستگی بین امتیاز توسعه یافتگی شهرستان‌ها و جمعیت آنها استاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که توسعه در استان خوزستان به سمت شهرستان‌هایی تمایل دارد که از جمعیت بیشتری برخوردارند. و از این نظر بین شهرستان‌های با جمعیت بیشتر و شهرستان‌های کم جمعیت تر نابرابری و عدم تعادل شدیدی به چشم می‌خورد. سطح دیگر نابرابری با مقایسه پراکنش توسعه شهرستان‌ها با توجه به نرخ شهرنشینی شان به دست می‌آید. نتایج تحقیق نشان می‌دهند که در استان خوزستان شهرستان‌هایی توسعه بیشتری یافته اند که از نرخ شهرنشینی بالاتری برخوردارند. اما همانطور که بحث شد در این تحقیق شهرستان‌های استان به چهار نیمه جنوبی-شمالی و شرقی-غربی تقسیم شده است و آنگاه بین این چهار نیمه مقایسه دو به دو بوسیله میانگین توسعه یافتگی انجام شد. نتایج نشان می‌دهد که در همه بخشها نابرابری شدیدی بین شهرستان‌های واقع در نیمه‌های شمالی - جنوبی و شرقی-غربی استان وجود دارد. این نابرابری‌های شدید در تضاد کامل با اهداف توسعه پایدار می‌باشد. فلسفه اصلی توسعه پایدار آشتی بین توسعه و پایداری از طریق دقت و توجه کافی به همه اهداف از دیدی سیستمی و کل گرایانه است. توسعه پایدار با نگرشهای تک بعدی یا تک عاملی همخوان نیست و به لحاظ تلفیق اهداف مختلف اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی، و توجهی کل گرایانه دارد و در بررسی پایداری درونی و بیرونی سیستم از دید سیستمی استفاده میکند. اما با بررسی وضعیت توزیع فضایی توسعه در شهرستان‌های استان خوزستان مشخص می‌شود که در الگوی توسعه در استان دید سیستمی و کل گرایانه وجود ندارد. بلکه الگوی توسعه در استان خوزستان در راستای تفکر بخشی و جزئی نگرانه می‌باشد. برای مثال در حالی که در بخش آموزشی توسعه به سمت شهرستان‌های کوچک استان تمایل دارد و اهواز در رتبه آخر این بخش قرار دارد. در سایر بخشها وضعیت کاملا بر عکس می‌باشد. همچنین چیزی که شاهد بودیم اینکه بعضی شهرستان‌ها در بعضی بخشها در رتبه‌های نخست و در بعضی بخشها در رده‌های آخر توسعه قرار دارند. برای مثال بندر ماهشهر در بخش اقتصادی در رتبه اول، در بخش زیربنایی در رده چهارم، در قسمت بهداشتی درمانی در رتبه نهم، در بخش

منابع و مآخذ

- ابراهیم زاده عیسی، رییس پور، کوهزاد، (۱۳۹۰)، بررسی روند تغییرات درجه توسعه یافتگی مناطق روستایی سیستان و بلوچستان با بهره گیری از تاکسونومی عددی طی دهه‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۷۵، جغرافیا و توسعه، شماره ۹، صفحات ۵۱-۷۶.
- اطاعت، جواد (۱۳۹۰) جمعیت و توسعه پایدار در ایران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره ۴۲، تهران، ۴۷-۳۷
- اعتماد، گیتی، (۱۳۶۳) شهرنشینی در ایران، انتشارات آگاه، چاپ اول، تهران
- امکچی، حمیده، (۱۳۸۳)، شهرهای میانی و نقش آنها در چارچوب توسعه ملی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران، چاپ اول، تهران
- بزی، خدارحم، (۱۳۸۶)، تبیین تفاوت‌های فضایی امکانات شهری از طریق سطح بندی نظام شهری در استان سیستان و بلوچستان، فضای جغرافیایی، شماره ۲۰، صفحات ۲۲-۱
- پورفتحی جواد، عاشری امام علی (۱۳۸۹)، تحلیل نابرابری فضایی سکونتگاه‌های روستایی شهرستان اهر، مجله فضای جغرافیایی، شماره ۱۰، اهر، صفحات ۹۵-۱۱۶
- پیرس، دیوید دلبیو و جرمی جی وارفورد (۱۳۷۷) دنیای بیکران: اقتصاد، محیط زیست و توسعه پایدار، عوض کوچکی، سیاوش دهقانیان، علی کلاهی، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول، مشهد
- تقوایی، مسعود، حمید رضا وارثی و رضا شیخ بیگلر، (۱۳۹۰)، تحلیل نابرابری‌های توسعه ناحیه‌ای در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، صفحات ۱۶۸-۱۵۳
- توکلی مرتضی، فاضل نیا غریب، زارعی یعقوب، نیک آریا مهران، (۱۳۹۰)، ارزیابی برخی شاخص‌های ابعاد نابرابری منطقه‌ای در ایران، روستا و توسعه، شماره ۱۴، صفحات ۱۰۱-۱۱۷
- حبیبی، کیومرث، هوشمند علیزده، وراز مرادی مسیحی، سیوان ولدبیگی، ساسان وفايي (۱۳۹۰) بررسی و تحلیل وضعیت عدالت اجتماعی در ساختار فضایی شهر سنندج، آرمانشهر، شماره ۷، تهران، ۱۱۳-۱۰۳
- حکمت نیا حسن، میر نجف موسوی (۱۳۸۵) کاربرد مدل در جغرافیا با تاکید بر برنامه ریزی شهری و ناحیه ای، یزد، انتشارات علم نوین، چاپ اول، یزد
- حکمت نیا، حسن، سعید گیوه چی، نیره حیدری نوشهر، مهری حیدری نوشهر (۱۳۹۰)، تحلیل توزیع فضایی خدمات عمومی شهری با استفاده از روش استانداردسازی داده ها، تاکسونومی عددی و مدل ضریب ویژگی (مطالعه‌ی موردی: شهر اردکان)، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۷، تهران، ۱۷۹-۱۶۵
- خاکپور، براتعلی (۱۳۸۵) سنجش میزان توسعه یافتگی شهرستان شیروان به منظور برنامه ریزی ناحیه ای، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۷، زاهدان، صفحات ۱۴۵-۱۳۳
- دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷) شهر جهان سومی، ترجمه فیروز جمالی، نشر توسعه، چاپ اول، تهران
- دهقان، حسین، (۱۳۸۶) فرصت‌ها و تهدیدها برای آموزش و پرورش در مواجهه با نابرابری فضایی در فن آوری اطلاعات و ارتباطات، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۲۳، تهران، صفحات ۱۶۳-۱۲۵
- دیوسالار، اسدالله، علی شیخ اعظمی، (۱۳۹۰) برنامه ریزی فضایی توسعه پایدار شهرهای ساحلی نمونه موردی شهر ساحلی نور، جغرافیا و توسعه، شماره ۲۱، صفحات ۶۴-۴۳
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد (۱۳۷۷) توسعه و نابرابری‌های اجتماعی؛ رساله دکتری جامعه شناسی از دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران
- زیاری، کرامت ا...، سیدمحمود زنجیرچی و کبری سرخ کمال (۱۳۹۰)، بررسی و رتبه بندی درجه توسعه یافتگی شهرستان‌های استان خراسان رضوی با استفاده از تکنیک تاپسیس، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۲، تهران، ۳۰-۱۷
- ضرابی، اصغر، نازنین تبریزی (۱۳۹۰) تعیین سطح توسعه یافتگی شهرستان‌های استان مازندران - رویکرد تحلیل عاملی، نشریه آمایش محیط، شماره ۱۲، صفحات ۷۷-۶۳
- ضرابی، اصغر، ابراهیم مولوی (۱۳۸۸)، تحلیل شاخص‌های توسعه در شهرستان‌های استان همدان، نشریه آمایش محیط، شماره ۵، صفحات ۶۵-۵۱
- عندلیب، علیرضا و سید محمد علی ثابت قدم (۱۳۸۸) نقش درآمدهای پایدار توسعه شهری در برنامه ریزی فضایی - کالبدی، نشریه هویت شهر، شماره ۵، تهران، ۹۸-۸۵
- فرید، یدالله (۱۳۸۸). جغرافیا و شهرشناسی، انتشارات دانشگاه تبریز، چاپ هفتم، تبریز

یانگ، ت و برتون ام. پی (۱۳۷۷) پایداری کشاورزی با تعریف آن در سیاست تجاری و کشاورزی؛ ترجمه محسن تشکری؛ انتشارات مؤسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی وزارت کشاورزی، چاپ اول، تهران

Cheng S, Chan C. W, Huang G. H (2003). An integrated multi-criteria decision analysis and inexact mixed integer linear programming approach for solid waste management, *Engineering Applications of Artificial Intelligence*; Vol. 16: 543-554.

Kirkpatrick C. & et. Al (2001) Development of criteria to assess the effectiveness of national strategies for sustainable development ; Institute for Development

Soubbotina p. , Sheram A (2001) Beyond economic growth , The world Bank, Washington D. C

UN (2001) Guidance in preparing national sustainable development strategies; Revised Draft , New York. Policy and Management; University of Manchester

OECD; (2001) The DAC guidelines, strategies for sustainable developmen

UNDP (1994) Human development report ; New York :Oxford Univercity Press

قائدرحمتی، صفر و احمدخادم الحسینی (۱۳۸۹) ،

تحلیلی بر درجه توسعه یافتگی شهرستان های استان سیستان و بلوچستان، نشریه آمایش محیط، شماره ۳، ملایر، ۹۷-۱۱۳

قنبری، ابوالفضل (۱۳۹۰) تحلیل عوامل موثر بر نابرابری در نقاط شهری استان های ایران، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی

مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان خوزستان (۱۳۹۰) ملکی سعید ، حسین زاده دلیر، کریم، (۱۳۸۸) رتبه بندی نواحی شهری از نظر شاخص های توسعه پایدار با استفاده از روش های تحلیل عاملی و تاکسونومی (شهر ایلام) ، جغرافیا و توسعه ناحیه ای، صفحات ۸۰-۴۵

مولایی هشجین، نصراله (۱۳۸۲) ، الگوی بهینه برای برنامه ریزی توسعه خدمات روستایی در ایران (مطالعه موردی: جنوب استان اردبیل) ، نشریه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۷۰، تهران، ۷۳-۴۷

مومنی مهدی، صابر الهه (۱۳۸۹) ، تعیین سطح توسعه یافتگی شهر نایب در استان اصفهان، آمایش محیط، شماره ۳، صفحات ۱۶۱-۱۸۰

مومنی، مهدی (۱۳۸۸) ، تحلیلی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان اصفهان، نشریه جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره ۱، صفحات ۴۲-۳۵

مومنی، مهدی، مجتبی حاتمی، (۱۳۸۹) تحلیل جغرافیایی از نابرابری و عدم تعادل فضایی توسعه در استان اصفهان، فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی، شماره ۴، نجف آباد، ۲۵-۱۵

مهرگان، منصوره و اصغر نظریان (۱۳۹۰) ، تحلیل رتبه بندی خدمات اقتصادی - اجتماعی شهرستان های استان لرستان و ساماندهی آن با استفاده از مدل اسکالوگرام، نشریه آمایش محیط، شماره ۱۲، صفحات ۱-۱۲

مehشواری، شیرام (۱۳۷۸) توسعه پایدار و مدیریت دولتی در هند؛ نشریه مدیریت توسعه، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، شماره ۷۲

نظریان، اصغر (۱۳۷۶) . جغرافیای شهری ایران، انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ اول، تهران

یاسوری، مجید، (۱۳۸۸) بررسی وضعیت نابرابری منطقه ای در استان خراسان رضوی، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه ای، شماره ۱۲، مشهد، صفحات ۲۲۳-

